

جمع بندی از عملیات فتح المبین

سند شماره ۱۱۹۵۱۹، کزیده اسناد عملیات فتح المبین، ج ۶ آرشیو

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

اشاره

سند زیر گزارشی تحققی از عملکرد فراگاه قدس در عملیات فتح المبین است که بعد از عملیات، از سوی برادر حسن دانی فر، یکی از فرماندهان سپاه پاسداران نوشته شده است. در مقدمه این سند، نویسنده انگیزه خود را از این اقدام، ادای دین به شهدا و آموختن درسهایی از این سختیها و جان فشانیها می داند. این گزارش به چند بخش تقسیم می شود که برای جلوگیری از طولانی شدن، مقدمه و برخی از مباحث ابتدای سند حذف و بقیه مطالب که بیشتر جنبه نظامی دارند، با اصلاحاتی جزئی ارائه می شود. در مباحث اعتقادی، امید به پیروزی بی مفهوم بودن شکست، عدم بر اساس تکلیف قهی و بی معنی بودن مرگ و اعتقاد به شهادت از نظر مسلمانان مطرح شده است که موجب قدرت رزمندگان می باشد. فصلنامه نگین با درج این گونه سندها ضمن بزرگداشت تلاش رزمندگان امیدوار است پلی برای انتقال درسها و تجارب ارزنده آنها به نسلهای آینده باشد.

۱) رعایت اصول جنگ

الف) اصل هدف

در این فراگاه، نخستین اصل تلاش برای رسیدن به هدف اعلام شده بود که انهدام نیروهای متجاوز بعثی و آزادسازی مناطق اشغالی را شامل می شد. هدفهای زمینی ای که باید در رده فراگاه تأمین می شدند، عبارت بودند از:

۱) عین خوش مسدود کردن تنها جاده ارتباطی دشمن از چم سری به طرف دزفول.

۲) ارتفاعات کمرسوخ و پروه، ارتفاعات کمرسوخ بر تمام منطقه دید کافی داشت. ارتفاعات پروه نیز که بلندترین ارتفاع در امتداد ارتفاعات کمرسوخ بود، دید و تیر خوبی در منطقه داشت.

۳) تنه ابوهریب، این تنگه خطوط مواصلاتی دشمن را قطع یا طولانی، راه فرار و یا تقویت نیروی دشمن را در قسمت شمال منطقه سد؛ و اجرای عملیات آینده را تسهیل می کرد.

ب) وحدت فرماندهی

از آنجا که این عملیات به صورت مشترک از سوی برادران ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجام می گرفت قرارگاه مرکزی کربلا برای ایجاد هماهنگی کامل، طی دستورالعملی با تأکید بر نقش و اهمیت انسجام فرماندهی و روشن بودن مأموریت اعلام کرد:

«و اعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا»

یکی از اصول شاخص هر مبارزه ای داشتن ترکیب سازمانی مشخص، فرماندهی منسجم و مأموریت روشن است. مراتب زیر اعمال فرماندهی در تمامی سلسله مراتب فرماندهی ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را شامل می شود که به حول و قوه خدا و عزم راسخ مؤمنین در اجرای طرح عملیاتی آینده پیروزی را نصیب سپاه اسلام خواهد کرد.

۱) مسئولیت اجرای طرح مانور کربلا ۲ (فرماندهی و هدایت عملیات) در تمامی قرارگاههای عملیاتی، تا پایان

استفاده از این فرصت طولانی، مواضع خود را تا اندازه‌ای مستحکم کرده بود. با شناسایی دقیق‌تری که از منطقه به عمل آمد، معلوم شد که جناح شمال غربی دشمن در عین خوش قابل نفوذ است و از آن طریق می‌شود به عقبه دشمن دسترسی پیدا کرد؛ بنابراین، در منطقه عملیات از ناحیه دامداری ۷ در شمال غربی عین خوش یک عملیات احاطه‌ای اجرا شد.

نیروی احاطه‌کننده تیپ ۱۴ امام حسین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود که بدون درگیری با مواضع دشمن در غرب رودخانه چپ‌خواب از ارتفاعات ممله به سمت جاده دهلران - عین خوش سرزیر شد و از پشت ارتفاعات عین خوش مواضع آن را هدف حمله قرار داد و تصرف کرد. تیپ ۸۴۴ و تیپ ۸۴ خرم آباد و بخشی از تیپ ۴۱ ثارالله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مرکز و در سمت عمومی جاده چاه نفت، نخست، کوه کمر سرخ و سپس، تپه ۲۰۲ را تصرف کردند. تیپ ۲۴ زرهمی و تیپ ۲ زرهمی لشکر ۹۲ و بخشی از تیپ ۴۱ ثارالله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای تأمین تنگه ابو‌غریب تک کردند، اما عملیات آنها به دلایلی ناموفق ماند.

ح) اصل سادگی

موفقیت در هر عملیاتی به این امر بستگی دارد که زیردستان تا چه اندازه مأموریت‌های تاکتیکی را درک و اجرا کنند؛ بنابراین، طرح‌های عملیاتی و دستورات ابلاغی به یگانها و فرماندهان زیردست باید ساده و روشن باشد و از به کار بردن تاکتیکهای پیچیده و غیر معقول خودداری شود. عملیات قرارگاه قدس با وجود وسعت زیاد منطقه از سادگی خاصی برخوردار بود و عموم یگانهای اجرایی و کنترل‌کننده تا پایین‌ترین رده با توجه به شناسایی دقیق‌تری که قبلاً از منطقه به عمل آمده و تمام معابر شناسایی شده بود، از نحوه اجرای عملیات و وضعیت منطقه آگاهی کامل داشتند.

ه) رعایت اصل غافلگیری

یکی از اصول مهم و اساسی در هر نبردی، غافلگیر کردن طرف مقابل است. هر نیرویی که اصل غافلگیری را کاملاً رعایت نکرده باشد، شکست خورده یا نتوانسته است به اهداف از پیش تعیین شده دست یابد. در عملیات فتح‌المبین، اصل غافلگیری در منطقه قرارگاه قدس کاملاً رعایت شده بود. یکی از دلایلی که به رعایت این اصل کمک کرد این بود که تمام حرکات و جابه‌جایی نیروهای

عملیات بر عهده فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سمت معاونت عملیاتی آنها به عهده فرماندهان ارتش جمهوری اسلامی ایران است.

۲) فرماندهی قرارگاهها در تمام سلسله مراتب، به عهده برادران ارتش جمهوری اسلامی ایران خواهد بود که بر حسن اجرای مانور که فرماندهی آن به عهده برادران سپاهی است - قید شده در بند ۱ - نظارت خواهند داشت.

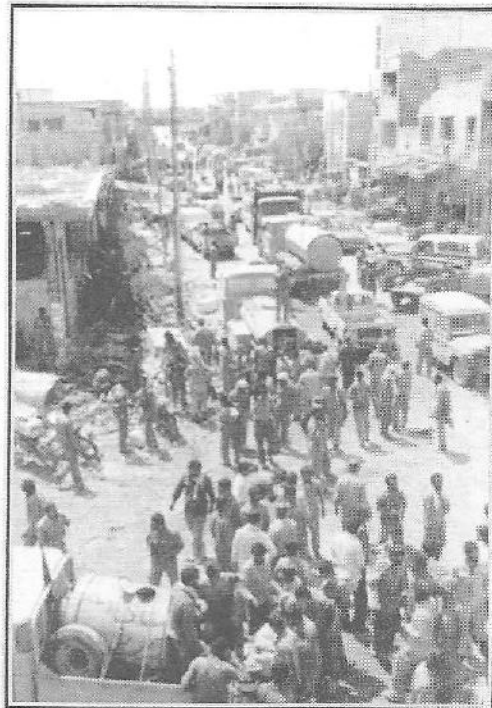
۳) تصمیم‌گیرهای جدید خارج از موازید طرح‌ریزی و ابلاغ شده پیشین از طریق قرارگاههای چهارگانه و مرکزی کربلا به عمل خواهند آمد.

۴) هر چه سریع‌تر مطابق با مسئولیتهای مزبور در قرارگاه، تیپ زرهمی و قرارگاههای چهارگانه، سیستمهای ارتباطی مخابراتی مشترکی ایجاد و روابط با قرارگاه مرکزی کربلا را برقرار و اعلام آمادگی کنید.

۵) هر گونه نارسایی را در شبکه فرماندهی از سوی رده بالاتر برطرف کنید.

ج) رعایت اصل مانور عملیات

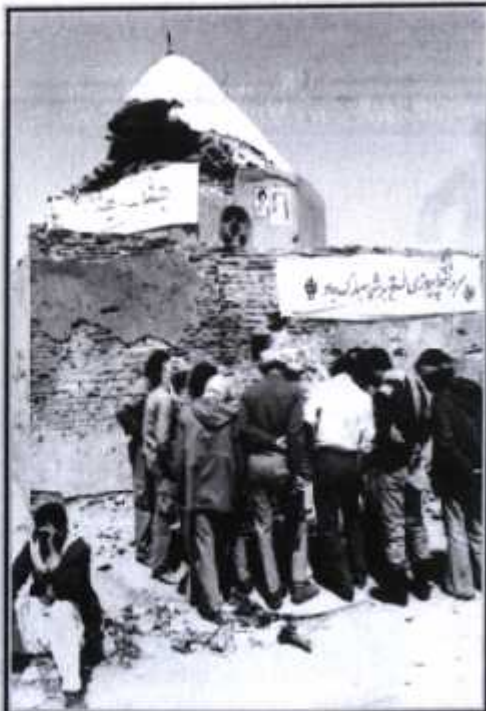
به طور کلی، این عملیات بر اساس طرح مانور تهیه شده صورت گرفت و در محور قرارگاه قدس، مانور به صورت احاطه‌ای در یکی از جناح‌های دشمن به اجرا در آمد. دشمن در مدت هجده ماهی که در منطقه استقرار داشت، با



درآمد که دشمن اصلاً قادر به تصمیم‌گیری نبود و نمی‌دانست چه باید بکند. در بعضی از مواقع، پاتک می‌کرد و گاهی می‌دید یگانهایشان بدون دستور عقب‌نشینی می‌کنند. در صبح حمله، عناصر دشمن آواره و سرگردان تسلیم رزمندگان اسلام می‌شدند. به صورتی که دیده می‌شده یک نفر رزمنده حدود صد نفر عراقی را اسیر کرده بود، آنها توانایی انجام هیچ‌گونه واکنشی را نداشتند. یک سرگرد عراقی می‌گفت: «من در شگفتم که نیروهای شما چه زمانی در پشت سر ما قرار گرفتند. و قرارگاه فرماندهی گردان را محاصره کردند، به طوری که ما توانایی انجام هیچ‌گونه واکنشی را نداشتیم».

ی) شناسایی دقیق

پیش از اجرای عملیات، از مسیرها، محورها و معابر و صولی‌خردی به مواضع دشمن و پشت سر آنها و در بعضی از قسمتها تا توپخانه دشمن شناسایی دقیقی به عمل آمد. زمین ذوعارضه و دارای پستی و بلندیهای زیادی بود؛ بنابراین، به کمک عشایر ساکن آنجا از میان سیارها و آبرفتنهای منطقه عبور کردیم و شناسایی را انجام دادیم. در اینجا نیز، عامل مهمی که ما را در امر شناسایی کمک کرد، مردمی بودند که پس از تجاوز ارتش عراق به خاک ایران در قسمتهای اشغالی مانده بودند.



رزمنده در پشت ارتفاعات مملو و جاه‌نفت صورت گرفت و دشمن بر آن دید نداشت. در واقع، دشمن به دلیل اطلاع از عملیات منطقه شوش، به منظور برهم زدن سازمان کل عملیات در منطقه شوش به قرارگاه فبر تک کرد و یک یگان از واحدهایش را برای تقویت نیروهای خود به آنجا برد. البته، شکل منطقه به گونه‌ای بود که دشمن تصور نمی‌کرد، ما از این منطقه نیز توانایی انجام عملیاتی را داشته باشیم.

و) اصل تمرکز قوا

اصل تمرکز قوا و انجام عملیات در جبهه ضعیف دشمن یکی از اصولی است که باید در طرح ریزی عملیات رعایت شود. در این عملیات، بر اساس طرح مانور قرارگاه قدس که به صورت احاطه یک طرفه بود، این قرارگاه بیشترین نیرو و قوا را از ضعیف‌ترین قسمت نیروهای دشمن از ارتفاعات تیشه کن (مملو) به طرف دامداری شماره ۷ و عین خوش وارد عمل کرد؛ قدامی که باعث شد تا یگانهای دشمن بر روی ارتفاعات کمرسرخ و خط تماس محاصره شوند.

ز) اصل صرفه جویی در قوا

برخلاف اصل تمرکز قوا در یک نقطه، پیش از اجرای عملیات، تعداد نیروها در خط تماس در حدانی ممکن قرار داشت. به طوری که در خط حد قرارگاه که در حدود چهل کیلومتر بود کمتر از سه گردان نیرو حضور داشتند و این باعث شده بود تا یگانهای حمل‌کننده در عقبه منطقه و دور از برد آتشیهای ایدایی دشمن قرار گیرند. موضوعی که دشمن را بیشتر غافلگیر می‌کرد.

ح) رعایت اصل حفاظت

اصل حفاظت یکی از اصولی بود که در قرارگاه قدس کاملاً رعایت شد. با وجود اینکه غیر از نیروهای رزمنده، افراد غیرنظامی هم در منطقه زیاد بودند، اما اصول حفاظت از اسناد و مدارک، اطلاعات و مخابرات، به صورت کامل تقریباً در تمام رده‌ها عملی شد و ما در اسناد و مدارکی که بعدها از دشمن به دست آوردیم، مدرکی مبنی بر عدم رعایت حفاظت عملیات، به دست نیاوردیم.

ط) اصل آفند

اصل آفند یکی از اصولی بود که نه تنها در قرارگاه عملیاتی قدس، بلکه در کل قرارگاه مرکزی کربلای ۲ به وضوح رعایت و به مورد اجرا گذاشته شد. عملیات چنان به اجرا

د) تک شبانه و بدون اجرای آتش تهیه

اصل غافلگیری یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اصول موفقیت است؛ بنابراین، در این عملیات، با توجه به محدودیتهایی که از نظر مهمات و دیگر وسائل و تجهیزات با آنها روبه‌رو بودیم، از تک شبانه به نحو احسن استفاده کردیم، به گونه‌ای که عراق، نه اجرای آتش توپخانه بر روی یگانهای ایران را داشت و نه از هواپیماها برای بمباران مناطق عملیاتی استفاده کرد. یک افسر عراقی روش تک شبانه ما را این گونه تحویل کرده بود: «حمله در شب یکی از بهترین روشهایی است که دشمن (منظور نیروهای خودی) اتخاذ کرده است؛ زیرا، هم از بمباران نیروهای هوایی در امان است و هم از دید چشم دیدبانهای ما؛ زمان حمله دشمن (نیروهای خودی) معلوم نیست؛ بنابراین، هر زمان که اطلاعات آنها به حد کافی برسد، به ما حمله می‌کنند».

ش) استفاده از فن نفوذ

اجرای نفوذ پیش از تک، یکی از عملیاتی مشکل است که طرح‌ریزی آن باید دقیق باشد و نفرات با دقت کامل توجه شوند؛ زیرا، حرکت مخفیانه از داخل مواضع دشمن و تجمع گروههای نفوذ کننده پیش از یک عمل قطعی بسیار کند است. در این عملیات، فن نفوذ واقعاً چشم‌گیر بود، پیش از اینکه تک در شب ۱۳۶۷۷۲ انجام شود، بعد از حمله جنون‌آمیز ارتش عراق به جبهه شوش برای بر هم زدن سازمان ما، در روز ۱۳۶۰/۱۲/۲۹ به فرارگاه قدس دستور داده

شد که همان شب، عملیات خود را آغاز کند؛ بنابراین، در این تاریخ، نیروها آمادگی خود را برای اجرای تک اعلام نمودند و نیروهای عمل کننده حرکت و تعدد زیادی از نیروها به داخل مواضع دشمن نفوذ کردند و به نزدیکی هدفهایی که بنا به دستور، باید تصرف کنند، رسیدند که باز هم ساعت ۲۳:۴۰ همان روز دستور صادر شد که نیروهای عمل کننده بازگردند عمل نفوذ به قدری ماهرانه و دقیق انجام شده بود که بلافاصله، تمامی نیروها بدون اینکه توجه دشمن را جلب کنند، به عقب برگشتند.

در شب (۱۳۶۷۷)، روز (ر) پیش از ساعت (س) به محض تاریک شدن هوا، نیروها، حرکت خود را آغاز و به سوی هدفهای از پیش تعیین شده حرکت کردند. یکی از یگانها مسئول انهدام احتیاط محلی یکان در خط بود، بکان دیگری مسئولیت از بین بردن توپخانه دشمن را برعهده داشت. باید یادآور شد که تمامی این دستورات اجرا شد. یگانی که مسئول انهدام توپخانه دشمن بود، در نخستین ساعات تک، اعلام کرد که توپخانه دشمن واقع در ارتفاعات ۲۰۲ در ساعت ۲۰:۰۰ بامداد سقوط کرده است.

ص) سرعت عمل

سرعت عمل یکی از مسائلی بود که در عملیات فتح‌المبین دیده می‌شد. یگانها در کمترین زمان ممکن، خود را برای اجرای حمله آماده کردند، فرارگاه قدس در روز ۱۳۶۰/۱۲/۴ تشکیل شد و در همان روز، یگانهای عمل کننده زیر امر او قرار



گرفتند و در شب ۱۳۶۰/۱۲/۲۹، برای انجام تک آماده بودند.

۲) حمایت‌های مردمی

یکی از ویژگی‌های جنگ ما وجود پشتیبانی‌های مردمی از جنگ است که از ایمان و اعتقاد مردم به حقانیت نیروهای رزمنده اسلام ناشی می‌شود. مردم ما بر این عقیده‌اند که باید کفار عیسی را سرنگون کنند؛ بنابراین حمایت نیروهای مردمی و کمک‌های آنها از راه‌های گوناگون اعم از حضور نیروهای بسیجی و رزمنده، اقدامات مهندسی و حادسازی کمک‌های غذایی و وسائل و تجهیزات نظامی در این عملیات، چشم گیر بود...

الف) کمک‌های مادی

در جریان عملیات، شاهد بودیم که مردم ایران در زیر سخت‌ترین و شدیدترین حملات و آتش دشمن، با اهدای انواع کمپونهای سرد، کنسروها و مواد غذایی به رزمندگان کمک می‌کردند و البته، خود این موضوع روحیه رزمندگان را افزایش می‌داد که توصیف ناپذیر است.

ب) کمک به اجرای عملیات

نیروهای مردمی، به ویژه عشایری که در آن منطقه بودند، کاملاً با رزمندگان اسلام همکاری می‌کردند کمک آنها در شناسایی معر‌ها و محورهای عملیات با توجه به کوهستانی بودن منطقه بسیار مؤثر بود. همچنین، به دلیل اجرای عملیات

در شب و اینکه نیروهای تک‌ور توانایی شناسایی و رفتن به مسر‌های تعیین شده را نداشتند و زمین را نمی‌شناختند، در هر یک از این معر‌ها و محورها یکی از این نیروهای مردمی به عنوان بلدچی گذاشته شد که در اجرای عملیات نقش مؤثری را ایفا کردند. نیروهای بسیج در حدود شش هزار نفر پیر و نوجوان با تمام وجود در این عملیات شرکت داشتند.

ج) جاده‌سازی

جهاد سازندگی نجف‌آباد و ایلام در اختیار قرارگاه قدس قرار گرفته بود که کارهای جاده‌سازی، ایجاد خاکریز و احداث سنگر را انجام می‌دادند. از اقدامات این نیروها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱) ایجاد خاکریز از امامزاده عباس به سمت عین خوش به موازات جاده آسفالت به طول شش کیلومتر؛

۲) ایجاد خاکریز از لژه تا اطراف شیخ قوم در زیر شدیدترین آتش دشمن؛ منطقه‌ای که شاید رزمنده‌ای در آنجا وجود نداشت؛

۳) ایجاد سنگرهای تانک و نفربر برای نیپ آزرهی؛

۴) ایجاد خاکریز در سمت راست (غرب) قرارگاه قدس از علی نغبر و دامداری شماره ۷، مختصات ۴۰-۹۳ تا مختصات (۴۵-۹۸)؛

۴) احداث و تکمیل جاده تیشه کن (ممله) به چاه نفت جلود پانزده کیلومتر و زدن یک پل بر روی رودخانه چینه‌خواب برای تکمیل همین جاده؛



شد. سرهنگ توپخانه علی صیاد شیرازی که نظر بسیار مثبتی نسبت به نیروهای مردمی و انقلابی داشت، فرماندهی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران را برعهده گرفت. مسئولیت بسیج مردم نیز به سپاه پاسداران محول شد. هدف از انجام این اقدامات آن بود که جنگ هر چه زودتر به کمک مردم با موفقیت به پایان برسد؛ بنابراین، تمامی این عوامل دست به دست هم دادند و با کمترین تبلیغات موجب شدند تا حضور نیروهای مردمی در جبهه افزایش یابد، به طوری که مردم از تمام شهرستانها، روستاها و آبادی های کشور به طرف جبهه ها سرازیر شدند.

۴) نقاط ضعف خودی در این عملیات

نیروهای خودی ضعفهایی داشتند که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) فقدان نیروی احتیاط

متأسفانه قرارگاه قدس فاند هر گونه احتیاط بود این موضوع باعث شد تا بعد از اینکه در نخستین شب حمله، مأموریت خود را به خوبی انجام داد، تحت فشارهای دشمن قرار گیرد و نتواند مأموریت خود را به خوبی ادامه دهد.

ب) ندادن گزارش صحیح از سوی یگانها

یکی از مسائل مهمی که نه تنها در عملیات فتح لمبین و قرارگاه قدس، بلکه می توان گفت در بسیاری از قرارگاهها و در بیشتر عملیتهای ما به چشم می خورد، عدم ارسال گزارشهای صحیح از سوی یگانها بود؛ موضوعی که باعث می شد تا فرمانده نتواند تصمیم به مرقع و قلععی را اتخاذ کند.

ج) دلیل تلفات تیپ ۲۴

مسئله ای که باعث شد تا تیپ ۲۴ قرارگاه قدس نتواند مأموریت خود را انجام دهد، این بود که تعداد نیروهای دشمن مستقر در تنگه ابوغریب درست برآورد نشده بود. در توجه تیپ ۲۴ گفته شده بود که نیروهای دشمن، تنها یک گردان زرهی است، در حالی که بیش از یک تیپ زرهی نیرو در آنجا مستقر بود که باعث شد بر تیپ ۲۴ تلفات و ضایعات زیادی وارد شود.

۵) احداث جاده ای از چاه نفت به طرف لژه در حدود پنج کیلومتر؛ و

۶) ترمیم و بازسازی جاده ای از دالپری تا تیشه کن که در حدود بیست کیلومتر بود.

د) ترابری

در هنگام اجرای عملیات، مراکز دولتی و مردمی تعداد زیادی از کامیونهای کمپرسی را در اختیار یگانها قرار دادند. این اقدام در امر ترابری یگانها و همچنین، حمل مهمات و اسیران جنگی نقش به سزایی داشت. من شخصاً شاهد بودم هنگامی که تیپ ۸۴ توانایی حمل مهمات مورد نیاز خود را نداشت، برادران جهاد سازندگی در کمترین زمان ممکن، با کامیونهای کمپرسی مهمات مورد نیاز آنها را حمل کردند.

ر) تعمیر و نگهداری

گروههایی از تعمیرکاران برادران جهاد سازندگی و دیگر نیروهای مردمی به صورتهای سبار و نابت اقدام به تعمیر خودروها می کردند. این گروههای سبار با کامیونهای مخصوصی که تمام وسائل تعمیراتی و بلدکی مورد نیاز جبهه ها را در اختیار داشتند، وسائل مهندسی و خودروهایی چرخدار تارده های ۳ و ۴ را تعمیر می کردند و گروههایی نابت در مراکز جهاد سازندگی مستقر بودند و تعمیرات از رده ۲ به بعد را انجام می دادند.

۳) اوضاع سیاسی، اجتماعی و روانی جامعه

بحث درباره اوضاع سیاسی، اجتماعی و روانی جامعه آن زمان، خود، بحث مفصلی با می طلبد. میزان بسیج یگانهای مردمی از شش هزار نفر به سی هزار نفر در سطح کل قرارگاه کربلا افزایش یافت که خود بیانگر اوضاع سیاسی و اجتماعی مساعد و روحیه بالای مردمی در مملکت بود.

پیش از آغاز عملیتهای آزادسازی مناطق اشغالی، خط مشی بنی صدر این بود که نیروهای مردمی و سپاهی و بسیجی به جریان جنگ، وارد نشوند. عزل وی، تأثیر مثبتی بر جامعه داشت، به طوری که مردم کاملاً به صحنه آمدند. موضوع دیگری که حضور بیش از پیش مردم را در صحنه باعث شد، قضیه انفجار دتر حزب جمهوری اسلامی و شهادت بیش از ۷۲ تن از یاران عزیز امام امت بود. بعد از آن، جریان انفجار دتر نخست وزیری بر شدت حضور مردم در صحنه های نبرد افزود. پس از گذشت یکی دو ماه، مسئله حمله و تصرف شهر بستان در حمله طریق القدس مطرح